

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شیری

۲۱ می ۲۰۲۴

بسیج بی سابقه بالای اقتصاد پیروزی اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم را تضمین کرد



روشن است که ایران و حتی یکسری کشورهای دیگر، هم اکنون در شرایط جنگی، جنگ‌های پنهان و آشکار سیاسی، اقتصادی (تحریم)، نظامی با امپریالیسم جهانی به فرماندهی امریکا به سر می‌برند. به نظرم، بسیج اقتصادی و بهبودی شرایط اقتصادی کشور و به تبع آن، شرایط زندگی توده‌های محروم شده از زندگی ساده انسانی، به خصوص کارگران، زحمکشان و سایر اقشار اجتماعی شرط لازم پیروزی در همه این جنگ‌ها است و به گمانم این امر، به هیچ وجه به دین و ایمان آقای رئیس جمهور و تیم اقتصادی او خلل وارد نمی‌کند؛ هیچ مانعی در راه انجام فرایض دینی آن‌ها، نمازهای یومیه و نماز شب‌شان ایجاد نمی‌کند. به نظرم، تلاش برای خارج کردن کشور و اقتصاد آن از زیر سلطه دالرهای بانک فدرال رزرو امریکا متشکل از ۱۲ بانک خصوصی یکی از مهمترین راه برون‌رفت از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی است.

اقتصاددانان محترم، اگر قبول می‌کنید اینطور است، لطفاً از آقای رئیس جمهور و تیم اقتصادی او سؤال کنید: چرا به انجام این کار اقدام نمی‌کنند؟ چرا از تجارب دیگران استفاده نمی‌کنند؟ آیا استفاده از تجارب بسیج اقتصادی دیگران خلاف دین و ایمان است؟ من فکر می‌کنم به هیچ وجه! پس، مشکل کجاست؟ منشاء مشکل را باید شناخت! - شیری -

بسیج فرازمند اقتصاد، برتری در تولید بیشتر انواع تسلیحات و مهمات نسبت به رایش اروپایی را تضمین کرد. هر جنگی مستلزم بسیج اقتصاد است. در مجموع ۷۲ کشور (۸۰٪ از جمعیت جهان) در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) شرکت داشتند. این یک رویارویی نظامی بین کشورهای «محور» (هسته اصلی اتحاد آلمان، ایتالیا، جاپان) و

ائتلاف ضد هیتلری (هسته آن اتحاد جماهیر شوروی، انگلیس و امریکا) بود. سطح بسیج اقتصادی در کشورهای شرکت‌کننده در این جنگ بسیار متفاوت بود.

شکی نیست که اتحاد جماهیر شوروی سهم اصلی را در پیروزی بر کشورهای «محور»، یعنی بر فاشیسم داشت. اکثر آثار مربوط به تاریخ جنگ جهانی دوم (نه تنها داخلی، بلکه خارجی نیز) اذعان دارند که از ۷۰ تا ۸۰ درصد از کل تلفات وارده به نیروهای مسلح المان و متحدانش، در جبهه شرقی، یعنی در جبهه اتحاد جماهیر شوروی وارد شد. والناتین فالین در کتاب «جبهه دوم. ائتلاف ضد هیتلر: تضاد منافع» (۲۰۰۰) می‌نویسد که این سهم حتی بالاتر بود - ۹۳٪. به گفته وی، نیروهای المانی ۵۰۷ لشکر و نیروهای متحدان المان ۱۰۰ لشکر در جبهه شرقی از دست دادند.

مؤرخان در این باره می‌نویسند که متفقین با تهیه سلاح، تجهیزات نظامی و مهمات به اتحاد جماهیر شوروی در مبارزه با هیتلر کمک کردند. در اینجا صرفاً از برنامه امریکائی «وام - اجاره» (Lend-lease) «صحبت می‌کنیم. در ابتدا، انگلستان (به همراه قلمروهای امپراتوری انگلیس) و چین به عنوان نخستین دریافت‌کنندگان کمک تحت این برنامه بودند. اتحاد جماهیر شوروی در ۷ نومبر ۱۹۴۱ با تصمیم ویژه فرانکلین روزولت، رئیس جمهور وقت امریکا به این برنامه افزوده شد. بسیاری از بررسی‌ها ارقام تحویلی تحت برنامه «وام-اجاره» به اتحاد جماهیر شوروی را بسیار بیشتر از میزان واقعی نشان می‌دهند. مثلاً: مواد منفجره - ۷۳۵،۳۴۵ تن؛ دینامیت - ۷۰۴،۰۰۰،۰۰۰ پوند (۳۱،۹۳۳ تن)؛ کامیون - ۸۸۳،۳۷۵ دستگاه؛ هواپیما - ۲۲۱۵۰ فروند؛ تانک - ۱۰۰۰۰ دستگاه، ماشین‌های شاسی بلند و وسایل نقلیه تمام زمینی - ۵۰۳،۵۱ دستگاه؛ موتور سیکلت - ۳۵۱۷۰ دستگاه؛ تپانچه - ۱۲۹۹۷ قبضه؛ لوکوموتیو - ۱۹۸۱ دستگاه؛ کشتی‌های باری - ۹۰ فروند؛ قایق‌های اژدر - ۲۰۲ فروند؛ کشتی‌های ضد تحت البحری - ۱۰۵ فروند؛ لاستیک - ۳،۷۸۶،۰۰۰ حلقه؛ الکل - ۳۳۱،۰۶۶ لیتر؛ پوتین‌های ارتشی - ۱۵۴۱۷۰۰۰ جفت؛ پتو - ۱۵۴۱۵۹۰ تخته و غیره.

آمار محموله‌های امریکا بسیار چشمگیر به نظر می‌رسد. شکی نیست که این کمک‌ها به اتحاد جماهیر شوروی کمک کردند تا پیروزی بر دشمن را تسریع بخشد و از تلفات ما در جنگ بکاهد. اتفاقاً، ستالین و دیگر دولتمردان ما به این کمک‌ها اذعان کردند. اما در عین حال، نباید آن‌ها را دست بالا گرفت.

اولاً - ما به ویژه در ماه‌های اول جنگ به کمک نیاز داشتیم، اما سهم شیر در سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۴۵، زمانی رسید که سربازان شوروی در حال پیشروی بودند و از مرزهای دولتی اتحاد جماهیر شوروی فراتر رفتند. در سال ۱۹۴۱، تحویل‌های تحت برنامه «وام-اجاره» تنها ۱ درصد از کمک آن‌ها را در تمام سال‌های جنگ تشکیل می‌داد.

ثانیاً - گاهی اوقات امریکائی‌ها نه آنچه را که ما نیاز داشتیم، بلکه آنچه را که امریکائی‌ها به وفور داشتند (محصولات به اصطلاح «تولید بیش از حد سرمایه‌داری»)، در اختیار ما قرار می‌دادند. و اغلب کیفیت لازم نیز برخوردار نبودند. بنابراین، ما واقعاً آخرین بمب‌افکن‌های ستراتیژیک ب-۱۷، ب-۲۴ و ب-۲۹ را درخواست کردیم، اما متحدان ما قاطعانه از تحویل آن‌ها خودداری کردند. بخش عمده تانک‌هایی که به ما عرضه شد، مدلی به نام **شرمن** بود که ارتشیان ما آن را «**فندک**» نامیدند.

ثالثاً، علی‌رغم ارقام مطلق قابل توجه حجم عرضه تحت برنامه «وام - اجاره»، سهم آن‌ها در کل حجم حمایت مادی و فنی برای نیروهای مسلح شوروی بسیار کم بود. به گونه‌ای که ۲.۷ درصد از نیاز ما به ضدهوایی و توپخانه ضدتانک از طریق «وام - اجاره» تأمین شد. این هم شاخص‌های مشابه برای برخی از اقلام دیگر (%): تانک - ۱۲؛ توپخانه خودکشی - ۷.۸؛ سلاح‌های نفری - ۰.۷۵؛ هواپیما از همه نوع - ۱۳؛ قایق‌های اژدر و سایر کشتی‌های نظامی - ۲۲؛ بنزین - ۲.۷ و الی‌آخر.

در سال ۱۹۴۸ کتاب «اقتصاد نظامی اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ میهنی»، نوشته نیکولای وازنسنسکی، رئیس وقت کمیته برنامه‌ریزی دولتی اتحاد جماهیر شوروی منتشر شد. این کتاب یک ارزیابی کلی از نقش تحویل‌های امریکائی تحت برنامه «وام-اجاره» ارائه می‌دهد. حجم آن‌ها نسبت به تولیدات داخلی در دوره اقتصاد جنگ تنها حدود ۴ درصد بود. همچنین لازم به ذکر است که جغرافیای تحویل‌های امریکا تحت «وام-اجاره» بسیار عجیب بود. محموله‌ها به انگلستان در طول سال‌های جنگ تقریباً سه برابر بیشتر از محموله‌ها به اتحاد جماهیر شوروی بودند. علی‌رغم این، سهم انگلستان در شکست المان نازی (اگر با تعداد کشته‌شدگان در میدان‌های جنگ یا تعداد لشکرهای المانی نابودشده سنجیده شود)، تنها چند درصد تخمین زده می‌شود.

بنابراین، پیروزی اتحاد جماهیر شوروی عمدتاً به هزینه پشت جبهه خود، یعنی به حساب اقتصاد خود تضمین گردید و در تولید بیشتر انواع سلاح‌ها و مهمات، حداقل برابری و در اغلب موارد برتری نسبت به المان را تضمین کرد. در ادامه، یکسری ارقام دایر بر کل تولید انواع خاصی از تجهیزات نظامی و سلاح در اتحاد جماهیر شوروی، المان، امریکا و انگلستان در طول سال‌های جنگ ارائه خواهیم کرد.

تانک‌ها و توپخانه‌های خودکشی (رقم به هزار): امریکا - ۴۱۴۸؛ اتحاد جماهیر شوروی - ۳۱۰۵؛ المان - ۹۴۶؛ انگلستان - ۲۷۹.

هوایماهای نظامی از همه نوع (هزار واحد): امریکا - ۹۶۲۵۴؛ اتحاد جماهیر شوروی - ۲۱۳۷۴؛ بریتانیای کبیر - ۱۱۷۹۳؛ المان - ۱۰۸۱۸.

خمپاره با کالیبرهای ۵۰ میلی‌متر و بالاتر (هزار واحد): اتحاد جماهیر شوروی - ۳۵۱۸۰؛ انگلستان - ۱۰۲۹۵؛ المان - ۴۸۷۳. هیچ داده‌ای در مورد امریکا وجود ندارد.

همانطور که ملاحظه می‌کنید، اتحاد جماهیر شوروی در تولید بسیاری از انواع تسلیحات نسبت به المان، نه تنها برابری، حتی برتری آشکار داشت. از نظر تانک و تسلیحات خودکشی، برتری ما نسبت به المان (مجموع حجم تولید در تمام سال‌های جنگ؛ برابری): خمپاره - ۸۴؛ تانک‌ها و تسلیحات خودکشی - ۴۲؛ مسلسل - ۵۱؛ هوایماهای نظامی از همه نوع - ۲۰. و این هم مازاد اتحاد جماهیر شوروی بر المان در انواع خاصی از هوایماها (برابری): جنگنده - ۱۱؛ هوایمای تهاجمی - ۳۰؛ بمب افکن - ۱۲؛ هوایمای ترابری - ۵۶.

اما شاید اقتصاد شوروی آنقدر عظیم بود که تولید چنین مقدار تانک، هوایما، اسلحه، مسلسل، تفنگ، گلوله و فشنگ که برتری نظامی ما را نسبت به المان به راحتی تأمین می‌کرد، برایش سخت نبود؟

برای دادن پاسخ به این سؤال، به منبع خارجی زیر متوسل می‌شوم: **مارک هریسون، «اقتصاد جنگ جهانی دوم: شش قدرت بزرگ در همسنجی بین‌المللی (انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۹۸)»**. در این تکنگراری، مارک هریسون، اقتصاددان انگلیس، اقتصاد کشورهای اصلی جنگ جهانی دوم را با استفاده از شاخص مدرن اقتصاد کلان تولید ناخالص داخلی ارزیابی می‌کند. برآوردها بر اساس دالر امریکا در سال ۱۹۹۰ انجام شده است. ارزیابی‌ها بر اساس سال، از ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۵ را شامل می‌شود. در سال ۱۹۳۸، رتبه اول از نظر تولید ناخالص ملی با ۸۰۰ میلیارد دالر، به طور طبیعی، به امریکا اختصاص یافت. رتبه‌های بعدی را به ترتیب به (میلیارد دالر): اتحاد جماهیر شوروی - ۳۵۹؛ المان - ۳۵۱؛ انگلستان - ۲۸۴؛ فرانسه - ۱۸۶؛ جاپان - ۱۶۹ به خود اختصاص دادند.

در این فهرست، از اقتصادهای پیشرو جهان، ما به ویژه، به اتحاد جماهیر شوروی و المان علاقه مندیم. مسیر توسعه اقتصاد این کشورها در بازه زمانی ۱۹۳۸-۱۹۴۵ چگونه بوده است؟ شاخص سالانه اقتصاد اتحاد شوروی (به میلیارد

دالر): ۱۹۳۸ - ۳۵۹؛ ۱۹۳۹ - ۳۶۶؛ ۱۹۴۰ - ۴۱۷؛ ۱۹۴۱ - ۳۵۹؛ ۱۹۴۲ - ۲۷۴؛ ۱۹۴۳ - ۳۰۵؛ ۱۹۴۴ - ۳۶۲؛ ۱۹۴۵ - ۳۴۳.

و این هم تصویر مشابه برای اقتصاد المان (میلیارد دالر): ۱۹۳۸ - ۳۵۹؛ ۱۹۳۹ - ۳۶۶؛ ۱۹۴۰ - ۴۱۷؛ ۱۹۴۱ - ۳۵۹؛ ۱۹۴۲ - ۲۷۴؛ ۱۹۴۳ - ۳۰۵؛ ۱۹۴۴ - ۳۶۲؛ ۱۹۴۵ - ۳۴۳.

مقایسه این دو فهرست، موارد زیر را نشان می‌دهد. اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی طی سه سال ۱۹۳۸-۱۹۴۰ بسیار پویا توسعه یافت. در این مدت ۲.۱۶ درصد رشد کرد. در این دوره زمانی، اقتصاد المان نیز رشد کرد، اما رشد آن کمتر - ۱۰.۳٪ بود. در ۱۹۳۸-۱۹۴۰ اقتصاد شوروی در رتبه دوم جهان (پس از امریکا) باقی ماند و اقتصاد المان در رتبه سوم قرار گرفت. در سال ۱۹۴۱، زمانی که المان خائنانه به قلمرو اتحاد جماهیر شوروی حمله کرد، تصویر به طور قابل توجهی تغییر یافت. تعداد زیادی از مؤسسات صنعتی، مزارع جمعی و دولتی و تأسیسات زیربنایی اقتصادی اشغال شدند. و این به کاهش چشمگیر تولید منجر شد. تولید ناخالص داخلی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۲ نسبت به سال ۱۹۴۰، یک سوم کاهش یافت. اگرچه اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۴۵ به آرامی رو به بهبود نهاد، اما حتی در سال ۱۹۴۵ هنوز به سطح قبل از جنگ در ۱۹۳۸ نرسید.

اقتصاد المان در طول جنگ، خلاف اتحاد جماهیر شوروی، به رشد خود ادامه داد. فعلاً نیازی به توضیح نیست که رایش سوم چگونه این امر را مدیریت کرد. به طور خلاصه بگویم، به دلیل بسیج نیروی کار، تولید و منابع مالی تقریباً تمام اروپا بود که تحت اشغال رایش سوم بودند. به طوری که در سال ۱۹۴۴ به حداکثر خود رسید: تولید ناخالص داخلی المان در سال ماقبل آخر جنگ تقریباً یک چهارم (۲۴.۵٪) از سطح ۱۹۳۸ فراتر رفت.

اقتصاد المان در سال ۱۹۴۱، در حد قابل توجهی از اقتصاد اتحاد شوروی پیشی گرفت. این افزایش در سال‌های ۱۹۴۲-۱۹۴۴ نیز ادامه یافت. حداکثر مازاد-بیش از یک و نیم برابر در سال ۱۹۴۲ ثبت شد. تنها در سال ۱۹۴۵ بود که اقتصاد شوروی دوباره از المان پیشی گرفت.

قابل توجه آن است که اگر اقتصاد اتحاد شوروی در طول جنگ نسبت به دوره قبل از جنگ انقباض قابل توجهی را تجربه کرد، متحدان انگلوساکسون ما پویایی مثبت اقتصادی را حفظ کردند. در سال ۱۹۴۳، تولید ناخالص داخلی انگلستان ۲۷ درصد از سطح سال ۱۹۳۸ فراتر رفت. و تنها در دو سال قبل از آن اقتصاد انگلیس تا حدودی «افت» کرد (تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۴۵، ۸٪ کمتر از سطح سال ۱۹۴۳ بود). اما امریکا در طول جنگ جهانی دوم به طور کلی «معجزه اقتصادی» نشان داد. اگر تولید ناخالص ملی امریکا در سال ۱۹۳۸، همانطور که در بالا اشاره کردم، برابر با ۸۰۰ میلیارد دالر بود، در سال ۱۹۴۴ این رقم به ۱۴۹۹ میلیارد دالر، یعنی تقریباً ۱.۹ برابر افزایش یافت و در سال ۱۹۴۵ کاهش جزئی، ۱۴۷۴ میلیارد دالر (با ۱.۳٪) ثبت شد. دلیل این نیز کاهش «گردش مالی» شرکت‌های مجتمع نظامی-صنعتی امریکا به خاطر پایان جنگ جهانی دوم بود. با چنین رشد سریع اقتصادی امریکا، ۱۱ میلیارد دالر کمک به اتحاد جماهیر شوروی تحت برنامه «وام-اجاره» را بسختی می‌توان سخاوت «بیش از حد» نامید.

اما برگردیم و به توازن قوای اتحاد شوروی و المان در جنگ. ظرفیت اقتصادی المان که با تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود، تقریباً تا پایان جنگ بیشتر از ظرفیت اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی بود. اما حجم تولیدات نظامی، همانطور که در بالا ذکر شد، برای اکثر انواع سلاح، تجهیزات نظامی و مهمات بیشتر از المان (گاهی چندین برابر) بود. این، چگونه می‌تواند باشد؟ این امر به لطف بالاترین سطح بسیج نظامی-اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی ممکن

گردید (در واقع اتفاق افتاد). در مورد بسیج نظامی-اقتصادی در رایش سوم بسیار گفته و نوشته شده است. اما سطح چنین بسیج در اتحاد جماهیر شوروی حتی بالاتر بود.

حجم فزینی تولید بسیاری از انواع محصولات نظامی در امریکا در طول جنگ، بیشتر از اتحاد جماهیر شوروی، اغلب اوقات بیش از ۵.۱-۲ برابر بود. اما تولید ناخالص داخلی امریکا در طول سال‌های جنگ به طور متوسط ۴ برابر بیشتر از تولید ناخالص ملی اتحاد جماهیر شوروی بود. این نشان‌دهنده چیست؟ نشان می‌دهد که سطح بسیج نظامی-اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی به طور قابل توجهی بالاتر از امریکا بود.

لازم به تأکید است که ما بسیج نظامی-اقتصادی را نه در ۲۲ جون ۱۹۴۱، بلکه حداقل دوازده سال قبل از تهاجم خائنانه المان به خاک خود آغاز کردیم. این بسیج در ادبیات ما بیشتر به نام «صنعتی کردن» نامیده می‌شود. در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۴۱، ما نزدیک به ده هزار بنگاه ساخته و به بهره‌برداری رساندیم که بیشتر آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای دفاع کار می‌کردند. بسیج نظامی-اقتصادی پس از ۲۲ جون ۱۹۴۱، شکل‌های دیگری به خود گرفت. جابه جایی هزاران واحد صنعتی به شرق کشور ظرف چند ماه، انتقال آن‌ها و همچنین، ساماندهی مجدد بسیاری از شرکت‌ها از تولید محصولات غیرنظامی به تولید محصولات نظامی (به عنوان مثال، گذار از تولید تراکتور به تولید تانک و سایر وسایل نقلیه زرهی) و غیره، در نتیجه کار شبانه روزی اتفاق افتاد. مدیریت عمومی بسیج نظامی-اقتصادی توسط کمیته دفاع دولتی که در ۳۰ جون ۱۹۴۱ تشکیل گردید شد، انجام گرفت.

چارچوب محدود مقاله حاضر به ما اجازه نمی‌دهد تمام ظرافت‌های مسائل بسیج نظامی-اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی را بیان کنیم. فقط به برخی از منابع در این زمینه اشاره می‌کنم. یکی از این‌ها کتاب «اقتصاد نظامی اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ میهنی» (۱۹۴۸) به قلم نیکولای وازنسنسکی است که در بالا ذکرش رفت. کتاب‌های «اقتصاد نظامی اتحاد جماهیر شوروی در آستانه و در طول جنگ جهانی دوم (۲۰۰۵)» نوشته یوگنی خاخالوف، «مجتمع نظامی و صنعتی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۲۰-۱۹۵۰: نرخ رشد اقتصادی، ساختار، سازماندهی و مدیریت تولید (۱۹۹۲)» - نوشته نیکولای سیمونوف و یکسری کتاب‌های دیگر [ذکر همه آن‌ها در اینجا ضروری به نظر نمی‌رسد. مترجم] منابع معتبر هستند.

برگرفته از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۳۱ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۳

* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل

پشت صحنه